

چرتکه

بازارساز چگونه در بازار ارز تجاری مداخله می‌کند؟

بخش اقتصاد– با ورود شرکت‌های پتروشیمی به عنوان یکی از مهم‌ترین رکن‌های عرضه ارز، بازار ارز توافقی در حال گام برداشتن در جهت تبدیل شدن به یک بازار مرجع معاملات ارزی در کشور است و بانک مرکزی نیز با ابزار بازار، در نرخ مداخله خواهدکرد، اما این نرخ سرکوب شده نخواهد بود و صادرکننده را از انتفاع منع نخواهد کرد.

به گزارش ایسنا، از ۲۶ آذرماه سال جاری کلیه صادرکنندگان مشمول بند (۲) ماده (۸) آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (اشخاص) به‌منظور رفع تعهد صادراتی از طریق واگذاری ارز حاصل از صادرات به دیگران، مکلف شدند ارزهای حاصل از صادرات خود را از طریق بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه کنند.

متعاقب این موضوع، از روز دوشنبه (سوم دی ماه ۱۴۰۳) برای کلیه صادرکنندگانی که براساس مقررات برگشت ارز حاصل از صادرات موظف به فروش ارز در سامانه نیما بودند، امکان فروش و عرضه ارز در مرکز مبادله ایران نیز فراهم شد و بازرگانان هم زمان می‌توانستند در هر دو سامانه اقدام به عرضه ارز نمایند. همچنین برای آن دسته از واردکنندگان که دارای تخصیص معتبر از محل سامانه نیما بودند، این امکان فراهم شد که ارز مورد نیاز خود را از مرکز مبادلات خریداری نمایند. هفته گذشته نیز، محمدرضا فرزین – رئیس کل بانک مرکزی – در جلسه هماهنگی با شرکت‌های پتروشیمی خبر عرضه ارز پتروشیمی‌ها به عنوان بزرگ‌ترین عرضه کنندگان ارز در کشور، در بازار ارز تجاری مرکز مبادله در هفته جاری را اعلام کرد و روز یکشنبه هفته جاری (۱۶ دی ماه) احمد مهدوی ابهری – دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی – خبر از آغاز عرضه ارز پتروشیمی ها در بازار ارز تجاری از روز دو شنبه ۱۷ دی ماه را اعلام کرد.

به گفته دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، صادرات ۹ ماهه امسال پتروشیمی‌ها حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده که هشت میلیارد و ۱۷۶ میلیون دلار از این میزان صادرات در سامانه نیما عرضه شده و مابقی برای نیازهای خود صنعت استفاده شده است.

وی افزود: مقرر شده که صنعت پتروشیمی ماهانه حدود ۹۰۰ میلیون دلار در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران عرضه کند. با این حال، میزان عرضه روزانه به دلیل دوره برگشت ارز صادرات و اینکه ارز چه زمانی در حساب تراستی‌ها خواهد نشست، متفاوت خواهد بود.

به گفته ابهری بازار ارز تجاری به نفع تولیدکنندگان و صادرکنندگان است؛ چراکه این اقدام سبب حذف رانت ارزی می‌شود و علاوه بر شفافیت، دسترسی سهل الوصول‌تری برای طرفین معامله فراهم می‌کند. همچنین، قیمت‌ها غیردستوری و مبتنی بر عرضه و تقاضا کشف می‌شود.

بی شک با ورود شرکت‌های پتروشیمی به بازار ارز تجاری، عمق این بازار به تدریج بیشتر خواهد شد و کارایی آن را به عنوان یک بازار مرجع مبادلات ارزی بیشتر کرده و حرکت به سمت یک سیستم نظام‌مند پرداخت رسمی ارز در کشور را بیش از پیش، تسهیل می‌کند.

طبق آمار رسمی، صنعت پتروشیمی کشور نزدیک به ۳۰ درصد از ارز صادرات غیر نفتی کشور را تامین می‌کند که از آن به عنوان بزرگ‌ترین عرضه کننده ارزی کشور یاد می‌شود. بازار ارز تجاری نیز در حال حاضر در مسیر ابتدایی خود قرار دارد و بی شک با ورود شرکت‌های پتروشیمی به این بازار عمق بخشی به آن نیز نسبت به گذشته، در دسترس‌تر خواهد بود و در آینده نزدیک نیز می‌توان شاهد نتیجه بخشی آن در نظام ارزی کشور باشیم.

در طرف دیگر نیز، با ورود گروه‌های دیگر صادرکننده و به عبارتی گروه‌های دیگر عرضه کننده ارزی به بازار ارز تجاری و عملیاتی کردن معاملات این گروه‌ها در سامانه ارز تجاری به تدریج باید شاهد مرجعیت یافتن بازار ارز تجاری به عنوان بازار رسمی معاملات ارزی کشور بود.

در این رابطه نیز، علی حسین نبی زاده – رئیس هیأت مدیره مرکز مبادله ایران – در نشست خبری مدیرعامل مرکز مبادله ایران و دبیرکل انجمن صنایع پتروشیمی که با محوریت ورود شرکت‌های پتروشیمی به بازار ارز تجاری برگزار شد در رابطه با تحقق یک بازار ارز تجاری به عنوان یک بازار مرجع ارزی در کشور گفت: پیش از راه اندازی بازار ارز تجاری در مرکز مبادله ایران، یک بازار ارز غیر نیمایی وجود داشت که در آن با کوتاه صادراتی، رفع تعهد ارزی صورت می‌گرفت و معاملات آن روزانه بین ۳۰۰ الی ۴۰ میلیون دلار بود.

وی اظهار کرد: اینکه در رابطه با عمق معاملات و کشف قیمت مرجع ارزی در بازار ارز تجاری صحبت کنیم به آن زمانی مربوط می‌شود که حجم بازار مذکور در بازار مرکز مبادله شکل بگیرد. به عبارتی، علاوه بر معاملات ارز نیمایی که به هر میزانی که وجود داشت، زمانی که معاملات غیر نیمایی نیز در بازار ارز تجاری شکل بگیرد و حجم آن معاملات وارد بازار ارز تجاری شود، می‌توان گفت که بازار ارز تجاری مرکز مبادله به عمق معاملاتی رسیده است. امروز مکانیزم مورد نیاز برای معاملات ارزی در مرکز مبادله وجود دارد، و مکانیزم رفع تعهد، معامله در مرکز مبادله ایران است، در حالی که در گذشته مکانیزم رفع تعهد واگذاری کوتاژ بود. این مقام مرکز مبادله تصریح کرد: در رابطه با سامانه نیما، باید گفت که نیما بازار نبود و از آنجایی که یک بازار واقعی نبود، ابزار بانک مرکزی، یک ابزار بازاری برای کنترل نرخ ارز. اینکه مطرح می‌شود که آیا بانک مرکزی کنترلی بر روی نرخ ارز خواهد داشت یا خیر، بی شک کنترل خواهد داشت و از آنجایی که بازار ارز تجاری در معنای اصلی و مفهوم اقتصادی یک بازار است، بانک مرکزی نیز با ابزار بازار، در نرخ مداخله خواهد داشت، به عبارتی با ابزار بازاری‌سازی در این بازار مداخله خواهد کرد نه با سقف نرخ گذاشتن بر ارز. بنابراین، بانک مرکزی روی نرخ حتما مداخله می‌کند، اما این نرخ سرکوب شده نخواهد بود و صادرکننده را از انتفاع منع نخواهد کرد.

{اقتصاد}

پای کدام دولت در میان است؟

پشت پرده کمبود انرژی در ایران



ساختار تولید و شبکه برق کشور، به حدود ۳۰ میلیارد دلار نیاز داریم، به شرطی که تامین سوخت مشکلی ایجاد نکنند که خود یک چالش دیگر است. اگر بخواهیم به آینده ۲۰ساله نگاه کنیم، این رقم می‌تواند به ۵۰ میلیارد دلار و بیشتر برسد و ما در حال حاضر این منابع را نداریم. وی گفت: برای حل مشکل باید با امکانات موجود چاره‌ای اندیشید. اکنون تکنولوژی وجود دارد که به ما این امکان را می‌دهد که حداقل در صنایع خود، کمی برتری داشته باشیم. درهرصورت، نتیجه ساختار این استراتژی نادرست ما در توسعه صنعتی این است که ما بالاترین شدت مصرف انرژی را در میان کشورهای جهان داریم. به‌عبارت‌دیگر، میزان تولید ناخالص داخلی که در مقابل یک واحد انرژی تولید می‌شود، در پایین‌ترین سطح جهانی قرار دارد. این موضوع یک معادله چندوجهی است و نتیجه ۲۰ تا ۳۰ سال مدیریت نادرست است.

دولت احمدی‌نژاد به جای سرمایه‌گذاری یارانه داد

آرش نجفی، رییس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی نیز در گفتگو با خبرنگاران با تاکید بر اینکه برای حل مشکل باید اقدامات ویژه‌ای با توجه به شرایط فعلی کرد، گفت: معتمد ریشه‌ی ناترازی به دولت نهم و دهم برمی‌گردد. آن زمان پول در مملکت بود اما به جای سرمایه‌گذاری برای بهینه سازی مصرف انرژی امدند ۲.۴ میلیارد دلار را با اتخاذ تصمیمی نادرست به یارانه ۴۵ هزار تومانی تبدیل کردند.

وی با تاکید بر اینکه ما روزانه با کمبود ۳۰۰ میلیون متر مکعب گاز مواجه هستیم. این کمبود باعث تعطیلی برخی صنایع و عدم تامین گاز برای نیروگاه‌ها شده است، که در نتیجه آن، نیروگاه‌ها قادر به تولید برق نیستند و این موضوع منجر به کمبود برق می‌شود. در سال‌های گذشته نیز با کمبود گاز روبرو بودیم، اما به این شدت و با این عواقب نبود و در آن زمان کمبود برق احساس نمی‌شد.

وی با اشاره به اینکه در این شرایط حتی تغییر بخاری‌ها نیز لازم است، گفت: سه سال است که اتاق بازرگانی در تلاش است تا کمبود گاز در صنعت را از این طریق جبران کند. نتیجه این تلاش‌ها در بهمن ۱۴۰۱ به تصویب رسید که بر اساس آن، ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار بخاری قدیمی باید از مدار خارج شوند و به جای آن‌ها بخاری‌های گرید A با استفاده از بوجه دولت نصب شوند. با این حال، دو سال از تصویب این قانون گذشته و هنوز هیچ بخاری تعویض نشده است. اگر بخاری‌ها تعویض

می‌شدند، به ازای هر دستگاه بخاری در فصل سرد،۴۶۶ متر مکعب گاز صرفه‌جویی می‌شد. بر اساس همان مصوبه، در این دو سال باید دو میلیون بخاری تعویض می‌شد؛ حالا اگر این دو میلیون را در ۴۶۶ متر مکعب ضرب کنیم، باید این مقدار گاز را در حال حاضر صرفه‌جویی کرده باشیم و این حداقل کاری است که می‌توانستیم انجام دهیم.

دمای خانه‌هایمان هم اقتصادی نیست

اورعی، استاد دانشگاه و کارشناس اقتصاد انرژی نیز با تاکید بر اینکه ناترازی در ایران وارد دوره‌ای بحرانی شده است، به خبرآنلاین گفت: دولت کاری کرده که کاهش دمای خانه‌ها توجیه اقتصادی خودش را هم نداشته باشد. در وضعیت فعلی ابزار قیمتی به عامل تشدید مصرف تبدیل شده زیرا قیمت حاملهای انرژی واقعی نیست. در چند سال اخیر قیمت نان، شیر، ماست، تخم مرغ و پنیر ۱۰ برابر شده، نرخ دلار ۷ برابر و قیمت خودرو و مسکن ۲۰ برابر شده است. از آن طرف دستمزدها تنها سه برابر شده‌اند و نرخ حامل‌های انرژی هیچ تغییری نکرده است. وی تاکید کرد: از نظر اقتصادی سیگنالی که این نظام قیمت‌گذاری به مردم می‌دهد این است که می‌توانند به جای هر کسری که دچارش شدند در بخش انرژی بیش مصرف باشند. این نحوه قیمت گذاری به مردم این پیام را می‌دهد که نیازی به پوشیدن لباس و مراعات کردن مصرف انرژی باشید و حتی می‌توانید آن را هدر بدهید. صرفه جویی نیاز به انگیزه اقتصادی هم دارد که در وضعیت فعلی چنین چیزی نیست. او در پاسخ به این سؤال که در شرایط کنونی تا چه حد امکان افزایش قیمت برای رفع بحران ناترازی وجود دارد؟ به مساله سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرد و گفت: چنین اقدامی نیاز به همراهی اجتماعی دارد. قطعا چنین همراهی وجود ندارد

به فکر زمستان نبودند

حسن مرادی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس اقتصاد انرژی نیز در گفتگو با خبر آنلاین با تاکید بر اینکه برنامه‌ریزی نکردن برای زمستان از سوی مسئولان دولت سیزدهم موجب تشدید ناترازی در زمستان شد، گفت: هنگامی که به نارضایتی‌ها و اعتراضات نیروگاه‌های کشور توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که آنها می‌گویند دلیل اینکه تولید نمی‌کنند، نبود ذخایر گازوییل است. به اصطلاح نیروگاه‌ها می‌گویند گازوییل مورد نیاز ما ته کشیده و اجازه استفاده از مازوت را هم به دلایل زیست محیطی و اعتراضات مردم شهرهای آلوده نداریم، درنتیجه یا مجبوریم نیروگاه‌هایمان را تعطیل کنیم یا دولت باید هر طور شده سوخت مورد نیازمان را تهیه کند.

وی گفت: به نظر می‌رسد بخش مهمی از ذخایر گازوییل کشور به فروش رسیده ولی مشخص نیست به داخل فروخته شده یا خارج. در هر حال ما در کشور ارگانهایی داریم که شرکت پالایش و پخش باید به آنها پاسخگو باشد و مشخص کند که چه مقدار تولید شده و چگونه این تولیدات توزیع شده ایفا است.

نماینده سابق مجلس در جواب این پرسش که دولت چهاردهم در شرایط کنونی باید چه اقدامی را در دستور کار قرار دهد؟ گفت: دولت باید بداند که گرچه امسال مسئولیتی در قبال کاستی‌ها ندارد ولی کاستی‌های سال آینده همه بر گردن آنها خواهد بود. میزان تولید، نیاز مصرف و ذخایر کشور مشخص است و از دولت انتظار می‌رود با توجه به این نکات طوری برنامه ریزی کند که ظرف چند سال ناترازی موجود به حداقل برسد. چنین چیزی نه تنها ممکن است بلکه از وظایف مهم دولت مستقر است که به نحوی منابع موجود را توزیع کند، که نیازها را تامین کند. به گفته‌ی وی برنامه‌ریزی برای مواجهه با زمستان در کنار اقدامات مدیریتی و تشویق به کاهش مصرف می‌تواند فعلا در تخفیف موقتی ناترازی نقش ایفا کند.

به نظر می‌رسد با توجه به نظرات کارشناسان و فعالان صنعتی برای برون‌رفت از بحران ضروری است دولت برنامه‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدتی را در دستور کار قرار دهد . باید دید دولت چهاردهم خود را مهیای مواجهه با زمستان ۱۴۰۴ خواهد کرد؟

جای خالی چانه زنی در شورای عالی کار

کند. به طور کلی در بحث افزایش دستمزد کارگران، چند نکته را باید به دقت مورد نظر قرار دارد. نکته اول این که روند تعیین دستمزد باید مبتنی بر کارشناسی باشد. واقعیت این است که ما باید برای تمیین یک موضوع مهم مثل دستمزد که بخش قابل توجهی از شهروندان و مردم کشور تحت تاثیر آن هستند و درآمدهای خود را از آن تامین می‌کنند، کارهای کارشناسی و بررسی‌های دقیقی انجام شود. در سال‌های گذشته اینطور نبوده است؛ بنابراین اول باید بر اساس شاخصه‌های اقتصادی که در اختیار سازمان‌ها و نهادهای مربوطه است، از طریق کار گروه‌های تخصصی، موضوع افزایش دستمزد را تحت تاثیر قرار دهیم. این گام نخست است که باید حتما در شورای عالی کار مورد توجه قرار گیرد. اگر این اتفاق رخ دهد می‌توانیم امیدوار باشیم که تصمیم و اراده دولت، قطعا بر این است که مشکلات را به شکلی مطلوب و بر اساس روند کارشناسی حل کند.» وی افزود: «نکته دیگر این است که دستمزد باید به این صورت تعیین شود که گروه‌های کارگری و کارفرمایی نقش برجسته باشند. نه این که دولت، خود، یک جانبه، آمار و ارقام را معرفی و مبلغی را به عنوان افزایش دستمزد به گروه‌های کارگری و کارفرمایی تحمیل کند. این موضوعیست که در سال‌های گذشته رخ داده و باعث نارضایتی کارگران شده است. سال گذشته، گروه‌های کارگری اصلا رضایت داشتند و نپذیرفتند، اما مبلغ از سوی دولت ابلاغ و اجرا شد. روند چانه زنی که یک روند استاندارد است باید در شورای عالی کار شکل بگیرد. خود دولت نیز باید نقش کاملا قانونی و نظارتی داشته باشد و تعدیل گر باشد، نه این که نقش مداخله جویانه داشته باشد. سومین موضوعی که معتمد گروه‌های کارگری باید حتما بپذیر آن باشند، این است که از دولت بخواهند در برابر اقدامات خود مسئولانه رفتار کرده و پاسخگو باشد. این موضوع بسیار مهمی است چرا که وقتی روند تعیین دستمزد شکل می‌گیرد و دولت از اختیارات خود استفاده می‌کند و تصمیمات خاص، می‌گیرد باید برای همه تصمیمات خود پاسخگو باشد. این پاسخگویی می‌تواند به روند تعیین دستمزد کمک کند. لازم است دولت ابزارهای واقعی از جمله نرخ تورم و مبلغ سبد معیشت برای تامین کالاهای اساسی خانواده‌ها و تعیین خط فقر را در اختیار شورای عالی کار قرار دهد. این ها، همگی از تقاضاهای اصلی گروه‌های کارگری است و اگر همه این شرایط رعایت شود می توانیم امیدوار باشیم که امسال شاهد تغییر و تحول جدی هستیم.»

جدیدی رخ دهد. در روزهای اخیر آقای میدری، وزیر کار در مصاحبه‌ای اعلام کردند که ما آمادگی داریم به اندازه تورم، حقوق را افزایش دهیم. این را می‌توان نکته مثبتی دانست و گام مناسبی برای افزایش حقوق و دستمزد است. هرچند حتی این هم کافی نخواهد بود و الزامات دیگری نیز برای حمایت از گروه‌های آسیب پذیر نیاز داریم.»

وی افزود: «چند سال پیاپی است که تورم بالا و حدود ۴۰ درصدی را تجربه می‌کنیم و شرایط اقتصاد کشور نیز غیرقابل پیش بینی است؛ بنابراین با توجه به غیرقابل پیش بینی بودن شرایط، حتما باید برنامه ریزی و تمهیداتی داشته باشیم که دولت بتواند در شرایط سخت و بحرانی به حمایت خود از کارگران نیز ادامه دهد. باید به دنبال راهکارهای جانبی و حمایتی از کارگران هم باشیم. برای مثال پرداخت یارانه‌ها در قالب کالابرگ روش مهمی است که من عمیقا به تاثیر آن باور دارم. ما سالهاست شاهد بی اثری یارانه‌های نقدی هستیم و بنابراین اعتقاد من این است که برای گروه‌های ضعیف و دهک‌های پایین که مجموعه کارگران را شامل می‌شود، بهتر است یارانه نقدی را تبدیل به کالا کرد و به آنان کالابرگ اعطا کرد. این قانون مجلس هم هست و دولت نیز به این کار مکلف شده. با این روش می‌توان دسترسی، تنوع و مرغوبیت کالاهایی که کارگران نیاز دارند را افزایش داد که این روش در کنار افزایش دستمزد کارگران می‌تواند بسیار مثبت و موثر باشد. اعتقاد من این است که می‌توانیم وام مسکن را نیز برای کارگران درنظر بگیریم، یعنی دولت می‌تواند منابع اعتباری قابل قبولی را برای کارگران تامین کند تا در بخش مسکن نیز، کارگران از ابربحران مسکن رها شوند. این‌ها راهکارهای پیشنهادی من در کنار روش افزایش دستمزد است.»

دولت بر اساس آمارهای واقعی تصمیم بگیرد و اجازه

چانه زنی بدهد

این فعال و کارشناس حوزه کارگری در ادامه گفت: «تا زمانی که شرایط افزایش دستمزد کارگران به شکلی باشد که تا کنون بوده، نمی‌توان انتظار تغییر و تحول ویژه‌ای را در وضعیت کارگران داشت. با همه این‌ها این امکان را هم نداریم که سطح انتظارات را بالا ببریم و بگوییم حتما سالی ۲ بار بازنگری در دستمزد گروه‌های کارگری انجام می‌شود همانطور که در سال‌های گذشته هم چنین تجربه‌ای نداشتیم. اما دولت برای پیشگیری و عدم افزایش چندباره قیمت ها، در طول سال، باید حتما چاره جویی